در اولین جلسه از تدریس کتاب بیان الفرقان مرحوم آیه الله شیخ مجتبی قزوینی در قسمت مهدویت در خدمت بزرگواران هستیم این کتابی که در دست من هست کتاب بیان الفرقان به پنج قسمت تقسیم شده توحید القران ،نبوت القرآن ، معاد القرآن، میزان القران غیبت و رجعت . ۴کتاب اول محل بحث ما نیست چون بحث تخصصی درباره مهدویت است ایشان در قسمت میزان القرآن بحثی که مطرح می‌کنند پیرامون این مسئله ای که اثبات وصایت برای انبیا و اثبات خلافت بلافصل امیرالمومنین می کنند و بعد از اون این مباحث که تموم میشه وارد بحث مهدویت میشیم بحث غیبت و بحث رجعت رو ایشان به تفصیل بیان می کنند و سایر مسائل مهدویت در خلال این دو فصل ذکر می فرمایند این کتاب چگونه به وجود آمده مرحوم آقا شیخ مجتبی قزوینی بین جمعی از اساتید و طلاب بحث مهدویت را تدریس می کردند و عده‌ای از فضلا از ایشان خواستند که حالا که دارین زحمت می کشید و اینو تدریس می کنید این را به قلم در بیاورید که یک چیز مکتوب ما داشته باشیم ایشان به درخواست جمعی شروع می‌کنند مطالبی که در درس ارائه دادن را به قلم در میارن لذا خوب مطالب مطالبی هست که بسیار عجب داره بسیار دقیق و در بین جمع خاصی صورت گرفته متن ممکنه یک مقدار مشکل باشه لذا من اول میخواستم متن رو نخونم یعنی درس به درس از خارج بگم و دوستان کتاب و تهیه کنند و متن رو خودشون بخونن اما دیدم که توی متن یک سری گیرهایی هست که خود این واژه‌ها و اصطلاحات اگر بخواهیم بریم دنبالش بگردیم یک مقدار وقتی میگیره و خسته می کنه لذا با مشورتی که با جمع کردیم بنا شد خود متن را هم از رو بخونیم و خط به خط خونده بشه و توضیح داده بشه در یک به یک جایی برسیم حالا بحث مهدویت این کتاب از صفحه ۷۵۱ شروع میشه متاسفانه این کتاب تحقیق نشده از حدود شایع ۶۰ سال پیش این کتاب چاپ شده به همین صورتی که مرحوم آقا شیخ نوشتن اتفاقاً بسیار غلط های املایی داره یعنی کسی که میخواسته اینو چاپ بکنه دقت زیادی نکرده حتی آیات قرآن می بینیم که وسطش یک واو اضافه گذاشته قسمت شو اشتباه نوشته کتاب تحقیق نشده مهجور مانده ما این کتاب می‌خوانیم قسمت‌هایی که اشتباه بوده و اصلاح می‌کنیم انشاءالله در صفحه ۷۵۳ شروع میکنه به عنوان مقدمه .ابتدا یک نکاتی را در خصوص شخصیت آقا شیخ مجتبی بگم یک شخصیتی بوده که از متاخرین بوده از علمای متاخر بوده و تقریبا میشه گفت تمام اساتید قدر زمان خودش را درک کرده در جهات مختلف فقه و اصول و تاریخ و فلسفه و کلام و عرفان و حدیث و علوم غریبه مسلط بوده و خوب شاگردان عجیبی هم در ارتباط با ایشان هستند صرف نظر از مسائل علمی بسیار یک شخصیت اهل تهذیب بودند شاید قریب به ۱۰ سال پیش توفیق شد ما یک ملاقات خصوصی با آیت الله سیستانی در منزلشان در نجف داشتم با ایشون که صحبت می‌کردیم صحبت از استادشون مجتبی قزوینی اومد وسط در باب تزکیه و اینها می گفت ایشان خیلی همت داشت شاگرداش علاوه بر مسائل علمی از لحاظ اخلاقی بسیار تزکیه داشته باشند و تاکید داشتند طلاب کسانی که ورود به مسائل علمی پیدا می‌کنند باید پا به پا در مسائل اخلاقی هم پیش برن به تعبیر عالم دین مبلغ دین کسی که مسلط به موازین دینی هست ولی خب اخلاق و ادب نداره گاهی وقتا آسیب میزنه ایشان می‌گفت مثلا ما خدمت آقا شیخ که بودیم یک کتاب مثل اصول کافی قسمت اخلاقی شو باز می‌کردند حدیث به حدیث رو میخوندن توضیح می‌دادند و می فرمودند نفس آقا شیخ انقدر چیز بود که واقعا ما بعد از کلاس احساس می‌کردیم تغییری در درون ما به وجود آمده خیلی مهمه که حرف به دل بخواهد بشینه اونطرف اهل تزکیه باشه یعنی اگر امام زمان میخواد بگه در امام زمان باید بسوزه اگر ما بخواهیم حرفهای ما تاثیر بذاره در ارتباط با امام زمان باید خودمون در ارتباط با حضرت باشیم یاد حضرت باشیم از منتظرین حضرت باشیم این جایگاه را باید داشته باشیم در هر حال ایشان همچین شخصیتی بود نمی‌خواهم وارد کرامات و مسائل دیگه بشم این مسائل خیلی ورود پیدا کردم فقط یک مورد رو می خوام اشاره کنم که خداوند به سبب بندگی که در خانه‌اش کرده اعطا امتیازاتی به این شخصیت کرده این مسئله را خود آیت الله سیدان در جلسه خصوصی به خود بنده گفتند ،گفتند من جوان بودم یک طلبه جوان بودم میرفتم پای درس آقاشیخ یک غده بزرگی پشت گردنم حاصل شده بود یک غده‌ای به این صورت درآمده بود این پیراهن هم که به غده که برخورد می کرد درد زیادی

می کرد بعد کلاس مرحوم شیخ مجتبی قزوینی گفت جعفر بیا ببینم این چیه گفتم یه غده پشت گردن هم هست گفت ببینم دستش رو گذاشت یک ذکری گفت یه خورده به این بزرگی که بود محو شد از اون موقع تا الان هیچ چی از اثرش نموند .کرامات بسیاری نقل کرده‌اند که بالاخره یک نفری که در جهت اولیای پروردگار باشد از منتظرین امام زمان باشه به قول یکی از اساتید اینها نخود و کشمش است که بهش میدن حالا یک وقتی ذکری هم میگه و خواسته ای هم از خدا داره عمرشو خرج امام زمان کرده یک مطلب که از امام زمان می خواد اینها چیزی نیست برای این کسانی که اینطوری وقت گذاشتن لذا همچین شخصیتی را مشخص که همچین برکاتی را خدا به او اعطا کرده که چه شاگردانی تربیت کرده خودش وزنه علمی و این کتاب هم بسیار لطایف و برکاتی در این کتاب هست من کتاب‌های مهدویت زیاد دیدم این کتاب ویژگی هایی داری که حداقل در کتاب‌های موجود ندیدم لذا انشاالله این متن خوانده می شود مورد ارزیابی قرار گرفته میشه بسم الله الرحمن الرحیم مقدمه می‌فرمایند پس از اتمام جلد چهارم بیان الفرقان به نام میزان القران گفتیم که چهار جلد و این جلد پنجم که در امامت نگاشته شد و مقصود مهم آن کتاب اثبات لزوم وصی برای نبی مخصوصاً پیامبر اکرم و اثبات وصی و خلیفه بلافصل آن بزرگواران علی علیه السلام در نظر گرفته شد رساله مختصر و ناکافی در رفع شبهات غیبت و رجعت نوشته شده و تتمه میزان توحید و خداشناسی را مطرح می‌کنند ناباور تو مطرح می‌کنند معاد را مطرح می‌کنند بحث امامت را هم در میزان القرآن مطرح می کند حالا میرسیم به بحث مهدویت رساله رو تنگ میزان القرآن گذاشتیم که حدود ۳۰۰ صفحه در بحث مهدویت ایشان مطرح میاره ایشان میگه چه شد که دغدغه ای به وجود آمد که من بحث مهدویت را نوشتم در زمان ما حدود ۶۰ سال پیش که این کتاب چاپ شده ما شبهاتی را مواجه بودیم از بعضی از معاندین که به شیعیان وارد می‌کردند کسانی که به تعبیری دینی هم نداشتند از جمله این شبهات می گفتند مگر ممکنه انسانی هزار و اندی سال عمر بکنه معمولا آن‌هایی که طول عمر زیاد داشتن در تاریخ نگاه می‌کنیم در چین بوده حدود ۲۰۰ سال بوده در هند بوده ۱۵۰ سال بوده حالا گیرم ۴۰۰ سال بوده اما هزار و اندی سال چه جوری میشه عمر بکنه بعد تازه ۱۴۰۰ سال عمر بکنه و بعد به صورت یک جوان ۴۰ ساله باقی بمونه بالاخره زمان روی اون تاثیر میذاره شرایط مکان روش تاثیر میذاره ببین اگه بخواد تاثیر بذاره به این صورت باشه باید سنش بالا بره این چطور میشه بعد تازه آقا تشریف میاره چیکار میکنه که شمشیر دستش میگیره 313 نفر هم دنبالش هستند ده هزار نفر هم بعدا ملحق میشن خب چیکار می خوان بکنند میان دنیا رو که پر از ظلم و جور شده می خوان چیکار بکننن مبدل به عدل بکنند حکومت جهانی تشکیل بدهد و به تعبیر ما الان یک موشکی بخوان بزنن یک موشک اتمی بخوان بزنن یک محدوده را با خاک یکسان می کنند محو می کند خب چطوری ممکنه که یک آقایی اینطوری بخواد بیاد و حکومت عامه را بخواد تشکیل بدهد از این قول‌ها زیاده الان هم نگاه بکنی توی فضای مجازی کسانی که مخالفت شیعه هستند امام زمان اینها را قبول ندارد از این شبهات زیاد مطرح می‌کنند ایشان می فرمایند بیشتر مورد تایید قرار گرفت که در اعصار اخیره راجع به وجود مبارک ولیعصر شبهاتی القا شد و بعضی از معاندین بی علم و ادب عقیده شیعه را در این موضوع دست آویز حمل و توهین نمودند و خارج از حدود عقلایی سخنان گزاف بهم بافتن سرمایه اغراض مادی خود قرار دادند و اکنون به تایید خداوند متعال شرحی جامع و مختصر و ساده از نظر تحقیق و بی طرفی با نهایت انصاف در رد شبهات و کمال استحکام در ذکر مدارک بنویسم امید است برای همگان مفید واقع شود و هر منصفی که با نظر پاک بدون تعصب و عناد بخواهد مقصد را کاملاً یافته تصدیق نماید این شبهات هستش خلاف عقل حرف زدن و من در جهت اینکه تعصبی نیست و بی طرفانه هستم می خواهم این ها را پاسخ بدهم در ادامه ایشان مباحثی را مطرح می کند که در دایره اسلام این شبهات مطرح هست گاهی اوقات یک آتئیست ناخداباور یک مسیحی شبهاتی را مطرح میکنه که آقا امام زمان این همه عمر کرده امام زمان غایب باشه بعد تازه امام غایب فایده اش چیه و تازه امام زمانی که داری میگی میخواد بیاد عدالت برقرار کنه اینها را ما نمی فهمیم اینها یکسری افسانه در نظر می گیریم گاهی اوقات در دایره اسلام شبهاتی وارد می کنند یعنی چی یعنی اکثریت اهل تسنن بحث جریان مهدویت را قبول دارن اما میگم امام زمان هنوز به دنیا نیومده دلیلی از اینها امام زمان را قبول دارند یک کتابی من دارم تشرفات ای که جمعی از اهل تسنن خدمت حضرت رسیدند جمع آوری شده جمعی ایع و قبول دارن حتی علمایی از اهل تسمم داریم که کتاب نوشتند برای امام زمان در زنده بودن حضرت تصریح کردند اما اکثریت شون می گن امام زمان رو ما قبول داریم مهدویت را قبول داریم اینکه فرزند امام حسن عسکری بدنیا اومده و غایب هست رو قبول نداریم بله در چهل سالگی ظهور میکنه چهل سال قبلش به ترتیبی این به دنیا میاد ۴۰ سال عمر میکنه و بعد قیام میکنه جریان اینه این نگاه اکثریت عامه هستش بعد خب وقتی اینو را قبول نداشته باشند غیبت رو هم قبول ندارن غیبت طولانی داشته باشه چی میگه هنوز به دنیا نیامده و غیبت را که قبول ندارند اینکه آقا هزار و اندی اون بکنه به صورت یک جوان ۴۰ ساله باقی بمونه بعد از هزار و اندی سال تغییر نکنه این را هم قبول ندارن پس یکسری شبهات با کسانی که در دین مشترک میشه بالاخره جریان مهدویت رو قبول دارن اینو از مسلمات خودشون می دونند در روایات شون فراوان نسبت به این آورده شده مرحوم آقا شیخ مجتبی می فرمایند چون نظر ما بیان حق برای اهل حق و حقیقت است مدارک شیعه را بطور تفصیل ذکر می کنیم ما بالاخره دو تا کار باید انجام بدیم میگه یا حق را می‌خواهیم بفهمیم رسیدیم که شیعه بر حق و اهل بیت بر حق هستند فرمایشات اینها را قبول کنیم می‌خواهیم بررسی کنیم حلاجی کنیم در فرمایشات معصومین فهم ما در معرفت امام زمان و شناخت امام زمان و پاسخ به شبهات مهدویت چیه علما معمولاً در دو جبهه ورود پیدا می‌کردند یا یکیشون یا هردو مثلا مثل علامه امینی ایشان یک مجموعه ای به نام الغدیر ایشان ۴۰ سال وقتشو گذاشته ایشون می رفت کتابخانه های مختلف در پاکستان در هندوستان کتابخانه های خطی از کتب عامه را می خونده اینها را استنساخ می کرد و میآورد در مجموعه ای به نام الغدیر که حدود ۱۱ جلدش چاپ شده که بیش از این هستش که چاپ نشد ایشان میاد اثبات خلافت بلافصل امیرالمومنین میکنه و بعد از رسول علی هست ۴۰ سال دغدغه اش این هست که بعد رسول علی است یعنی اینقدر مدرک میاره از اهل تسنن که اتمام حجت برای اینها میکنه از ایشان نقل کردند من از آنهایی که غصب خلافت امیرالمومنین کردند نمی گذرم به چه خاطر ، به خاطر این که ۴۰ سال از عمر من و گرفتند که من اثبات کنم که بعد از پیامبر علی بر حق است ۴۰ ساله اینو را می خواستم اثبات کنم منو اگر وقت من و توی این جهات نمی گرفتن من م رفتم روی ظرافت‌ها و تشبیه و تبیین فرمایشات امیرالمومنین آنها را می فهموندم به مردم ولی بحث سر اونه که شیعیان رو دارن از بین میبرن جمع کثیر یک میلیارد و اندی هم مخالف این جریان هستند ۴۰ سال وقتمو گذاشتم مرحوم آقا شیخ مجتبی هر دو کار میکنه یعنی اول ورود میکنه بر جهت اثبات ، اثبات جریان مهدویت و بعد از ورود میکنه بر منابع شیعه بررسی میکنه یعنی ایشان هم بحث با عامه داره میخواد بگه شما این نگاهی که شما آقایون اهل تسنن دارین در خصوص مهدویت شما داری اشتباه میکنی از کجا داری اشتباه می کنی از مدارک خودتون مدارک خودشونو میاره بعد میاد از مدارک ما این جریان را تبیین میکنه یعنی مدارک آنها مجمل هست مثلاً فرض کنید در خصوص شهادت حضرت زهرا مادر مدارک عامه مطلب زیاد داریم اما بیشتر اجمال توش وجود داره اما تفصیلشو مرحوم علامه مجلسی و خیلیای دیگه این را بیان کردن اما ما چه کار می کنیم چنین ضرب و جرحی چنین ماجرایی اتفاق افتاده از مدارک عامه میاریم و آن را اثبات می کنیم اما شرح ما وقع را چطوری از مدارک شیعه استفاده می کنه از فرمایشات خود معصومین استفاده می‌کنیم مرحوم آقا شیخ دو کار میکنه یعنی اول با کسانی که مخالف هستند با مدارک خودشان احتجاج می کنه اونوقت برای شیعیان کسانی که پذیرفتن این جریان را تشریح میکنه باز میکنه معرفت امام زمان را بحث مهدویت رو می‌فرمایند چون نظر ما بیان حق برای اهل حق و حقیقت است مدارک شیعه را به طور تفصیلی ذکر میکنیم و آخر کتاب به واسطه اینکه مخالفین ما از جهت مدرک هم اعتراضی نداشته باشند به مدارک عامه یعنی اهل تسنن نیز اشاره خواهیم کرد تا هر کس خواسته باشد به تفصیل اطلاع بر آنها حاصل کند به سهولت بتواند مراجعه نماید از این دو کار در این کتاب صورت گرفته هم میشه با مخالفین احتجاج کرد هم با توجه به مدارک شیعه فهم درستی نسبت به مهدویت داشت ایشان می فرمایند و نیز بر دانشمندان مخفی نیست که مسئله رجعت در اعصار گذشته مورد بحث و رد نبوده و جمعی از بزرگان گرچه از جمله ضروریات نشمردن لکن از قطعیات و مسلمات دانسته اند فقط جمعی از عامه چنانکه در اصل غیبت اشکال کرده و در رجعت نیز اشکال نمودند ایشان بحث رجعت رو فنی و تخصصی باز‌میکنه رجعت چیه اجمالاً اشاره می‌کنم در جای خودش توضیح میدم وقتی امام زمان تشریف میارن ماحض کفر و ماحض ایمان را خداوند زنده میکنه از این‌هایی که فوت شده اند و اینهایی که فرض کنید در عصر حضرت موسی بودند در عصر خاتم النبیین بودن در عصر سیدالشهدا بودند در عصر کنونی بودند اینها افرادی بودند که ایمان های قوی داشتند ایمان محض بوده اهل تزکیه بودن اهل عمل بودند اعتقادات سالم داشتند وقتی امام زمان تشریف میارن این افراد خداوند از برزخ هر کدام از ما که میمیریم وارد میشیم به عالم برزخ دوباره جسدی مثل همین جسد روح تعلق میگیره به این جسد میشه زنده میشه در کنار امام زمان زندگی خواهد کرد به عمر طبیعی از دنیا میره و جمعی که ماحض کفر هستند یعنی جنایتکاران بدکاران ظالمین که از اینها خبیث تر در دوران نبوده اینها را همه خدا زنده می‌کند و در همین زمین وعده خداست که انتقام گرفته باشه این بحث رجعته بحث رجعت از تواترات است از مسائلی که قطعی و مسلم هست در مکتب تشیع اهل تسنن را قبول ندارند رجعت یعنی چه کما اینکه غیبت را قبول ندارن مرحوم آقا شیخ مجتبی میگه که این بحث رجعت رو نمیگیم از ضروریات دین هست ضروریات دین چیه یک تعریف اجمالی بکنند مرحوم علامه مجلسی در حقانیت صفحه ۵۵۳ ایشان میگه بدان که ضروری دین امیری را گویند که وضوح در آن دین به مرتبه رسیده است که هر که در آن دین داخل شود آن را می فهمد مگر کسانی که تازه وارد دین شدند یا کسانی که در بلادی بسیار دور قرار گرفتند و به گوششان نخورده است یکسری اموری داریم که امور ضروری هست که یک نفر که وارد دین میشه وارد اسلام میشه که پیامبر کیه پیامبر اسلام هست اینو قبول کرده اما حالا رجعت جزو ضروری دین هست یعنی کسی که وارد میشه باید بدونه ، نه خیلی از شیعیان نمیدونن رجعت چیه و این ها هم میمیرن به مرگ جاهلیت از دنیا رفتن اینها فرض بکنید به مرگ کفر از دنیا رفتندنه نه بنده های خدا در شرایط خاصی هستند یک شهرستانی یک روستایی درگیر یک سری مسائلی هستند دسترسی نداشتند رجعت رو اطلاع نداشتند اما خب یک نفر وارد بشه و نفهمه پیامبر اسلام خاتم النبیین به عنوان پیامبر ماست خب دیگه مسلمان نیست این یکی از ضروریات دین هست ولی خب رجعت نه اما ایشان می‌فرمایند جزو مسلمات جزو قطعیات هست یعنی ثابت شده در دین ما هست ولی با توجه به این اهل تسنن این را قبول ندارن کما این که غیبت را قبول ندارند کما اینکه حضرت الان زنده هستند رو قبول ندارن به طور اکثر می ‌فرمایند در عصر ما بعضی که تخصصی در معارف حقه ندارند رجعت را ازعقاید عوام شیعه معرفی کرده و اسلام را از قول به رجعت مبرا دانسته اند یک گروهی تیپ های روشنفکری هستند که یک حرف‌هایی عوامی هست یه حرف های خرافی است که عده‌ای دارند می زنند این واقعیت نیست اسلام این نیست که کجای قران گفته رجعت هفته آیه داره در جای خودش بررسی می‌کنیم در بحث رجت فرمودند اشکالاتی به خیالت دلیل و تشکیکاتی بر مدارک نموده غافل از اینکه بزرگان شیعه کتبی در این موضوع نوشتن و همین اشکالات را که از ایرادات پوسیده قدیمی عامه است کاملاً جواب دادن اومدن یک سری اشکالاتی را گرفتند که اینها تخیلات هست و به عنوان دلیل ارائه دادند که رجعت باطله مگر ممکنه طرف مرده چطوری میشه زنده بشه این که همان بحث اینکه خداوند اول انسان را خلق کرده دوباره براش گیر داره این قدرت خداوند گیر داره میخواد دوباره زنده بکنه یک پرويه هست حالا چه گیری داره قدرت خداوند که قابل حل نیست قابل تحلیل است میگه این حرف‌هایی که می‌زنند قبلا اهل تسنن زدن علمای ما کتاب هم در مورد رجعت نوشتن پاسخشان را هم دادند یک چیز جدیدی نیست که به ذهن اینها رسیده باشه ما نیز به جهات فوق الذکر در نظر گرفتیم پس از پایان یافتن بحث یعنی اول غیبت امام زمان به بحث دوم رجعت پرداخته مقصود و مدعا از رجعت را بیان کنیم و ایراداتی که بر اساس فلسفه و غیر آن وارد کردن و حاکی از بی اطلاعی قواعد حکمت و فلسفه توضیح دهیم میگه گروهی اومدن و رجعت را باطل دانسته اند چرا چون با فلسفه نمیسازه با عقل نمیسازه به خاطر اینکه این چطور شد این جسد که خاک شد حالا این روح رفته در عالم دیگه حالا این روح میخواد دوباره تعلق بگیره به یک جسد دیگه ای همه کاره روح هست که گیری داره از همون اضافه خاک یا اساساً مگر هفت‌سال کل مولکولهای بدن تغییر نمیکنه یعنی شما همون هستی ۷ سال دیگر هم ببینم همون هستی هر هفت سال عوض میشه اما بحث جسد تو نیست بحث روح تو هست که خداوند بماند این جسد بخواد ایجاد بکنه روح و در ارتباط با این جسد قرار بده دوباره زنده بشه با موازین فلسفه هم سازگاری پیش میاد میگه اونهایی هم که با موازین فلسفه مطرح کردند فلسفه درست نفهمیدن حالا این را هم بررسی می‌کنیم در جای خودش که حرفای فیلسوفان هم در این مورد مختلف است و جواب آن را بیان کنید و در آخر کتاب کتاب اشاره اجمالی به مدارک شیعه می نماییم تا هر که طالب باشد بتواند رجوع کند از خداوند دانا و توانا مهربان توفیق و تایید می طلبم و از ساحت قدس حضرت ولیعصر بقیه الله المهدی عجل الله خواهانم از خداوند متعال مسئلت نماید این مقصود در این وجه اتمام پذیرد معمولاً نویسندگان کتاب کتاب را می نویسند مقدمه اش راآخر می نویسن بر اساس چیزی که میخواد بنویسه الان اینطوریه اول مقدمه رو نوشته می خوام شروع بکنم شروع هم که می کنه از خودامام زمان می خواهم به امام زمان می خوام که از خود خدا توفیق بده که این کار رو بتونم اتمام برسونم وراهنمای جویندگان و اهل انصاف گردد و بهره سرشاری به محبین آل محمد صلوات الله علیه ببخشند این نگاشته را نیست باقی الصالحات نویسنده قرار دهد در یک جلسه عرض کردم خدمت دوستان یکی از چیزهایی که در روایات ما بعنوان باقیات و صالحات هست اینکه شما یک سنت خوبی یک مطلب خوبی رو بذاری که سال ها از اون استفاده بکنه تا این مطلب خوانده می‌شد و بهره می‌برند این باقیات و صالحات است برای اون اجر و پاداش می نویسند برای اون میت و این خیلی مهمه هر کدام از ما یک کاری را در زندگی به طول انجامید که باقیو صالحات باشه که اگر صد سال دیگه هم از دنیا رفتیم این پرونده عمل ما به وقت مردن بسته نشه خیر برسه به ما مرتبه پیدا بکنیم یکیش اینه که باقیات و صالحات یک نفر را هدایت بکنیم یک نفر که هدایت بکنی اون فرد که هدایت شده دو رکعت نماز که می خونه یک ارتباط که با خدا برقرار می کنید دست مستمندی رو‌میگیره اخلاقی را رعایت می‌کنه تمام این کارهایی که این فرد انجام می‌ده در اعمالش تو شریکی. این میشه باقی الصالحات این فرد میمیره فرزند صالح چون تربیت درست شده عقیده فرزند صالح اون فرزند صالح تا کار خوب انجام میده تو پرونده عمل تو عین همون اعمال رو مینویسن این باقی الصالحاته گاهی اوقات یک نفر هدایت بکنی به تعبیر قرآن میگه که کل مردم رو هدایت کردی یک نفر هدایت بکنی میبینی از نسل این هزاران نفر هدایت شدن تو انگار کان هزاران نفر به واسطه تو هدایت شدن این میشه باقی الصالحات یا یک کتابی یه مطلب بنویسید باقی بمونه سال به سال هی این رو بخونن و استفاده بکنن در جهتِ هدایت قرار بگیرن این باقی الصالحاته ایشان می فرماید این نگاشته را نیز باقیات الصالحات نویسنده قرار دهد و از نظر ولایتی خود بهره‌مندم نماید یعنی وجود نازنین امام زمان با نوشتن این کتاب یک نظر خاص ولایتی به من بنماید امام زمان نظر به همه داره بعضی نظرها نظرات خاصه گاهی اوقات یک کاری از فرد انجام می‌گیرد چنین و چنان عنایت می‌کند که ره فرض کن چهل ساله رو طرف طی میکنه این منظورش از اون عنایاته همچین درخواستی رو داشته بعد ایشان هم این مقدمه تمام شد سه بیت شعر میارن از شیخ بهایی و سه بیت شعر میارن از آیت الله نوقانی که هم دوره خودشان بوده اگر بخواهیم کل کتاب رو بخونیم شاید بگی شعر رو غیر معصوم گفته شیخ بهایی گفته این شعر گفته بر اساس روایات حالا من توضیح می دهم بیت اول اینه اگر (حجت الله الذی لیس جاریا به غیر لذی رضا و سابق اقداری ) می‌فرمایند که ای حجت خدا آنچه را تو بخواهی مقدرات پیشین نیز بر آن جاری خواهد شد اقدار جمع قدر هست مجموعه چیزهایی که خداوند مقدر کرده را میگن اقدار میگه ای حجت خدا به امام زمان داره میگه آنچه تو بخواهیم مقدرات پیشین نیز جاری می شود خیلی حرف توش هست یک مقدار می خوام فاز بحث رو ببرم بالا در جای خودش بررسی می‌کنیم چون می خوام خط به خط خونده بشه این شعر رو توضیح بدم ببین خداوند متعال در روایات ما مطرح شده یک چیزی به عنوان لوح محفوظ یعنی سرنوشت هر کسی در این لوح محفوظ نوشته شده هر کسی سرنوشت ما نوشته شده یعنی نه اینکه ما مجبوریم به این صورت باشیم خداوند عالم به واقع هست علم بلا معلوم داره یعنی مخلوقی تبود که خداوند به ما بهشتی میشیم یا جهنمی میشیم غایت امر رو میدونه نتیجه امر را میدونه برای خداوند کشف حقیقت چون خدا می دانه دلیل بر این نیست کهمی داند قبل از اینکه من را خلق کند جهنمی میشم و پس چون می‌داند من که نمی‌خواهم شد خداوند می‌داند تا با اختیار خودت چه عمل می‌کنی می داند ا توی که بلاخره بهشتی میشه یه نمیشی در جهت هدایت قرار می‌گیری یا در جهت ظلالت آن قرار میگیری این تویی می فرمایند که حجت خدا هر آن چیزی که الان اراده می کند خدا می داند یا نمی داند می داند چون می دانست که چه اراده میکنه و خواست حجت خدا برچی هست از اول بنا برخواسته حجت خدا اینگونه نوشته این خیلی مطلب عجیبیه ببینید در زیارت آل یاسین می خونیم السلام علیک یا حجت الله و دلیل ارادته سلام بر تو ای حجت خدا تو دلیل اراده خدا هستی برای چی هست یعنی مثالش اینه که امام زمان وقتی کاری را به خواهد انجام بده خواستی که داشته باشه خدا اگر بنا باشد اراده بکند به خواست امام زمان پیش میبره از این رو هر جاش گیر گیر بود بگین بیشتر توضیح بدم چون شعر می خوام توضیح بدم شیخ بهایی و فاز بحث رو آورده بالابه تعبیری ای حجت خدا آنچه تو بخواهی مقدرات پیشین نیز بر اون جاری خواهد بود یعنی هر چیزی که تقدیر می خواد بشه به خواست توست یعنی اگه امام زمان اینجا به رو به روی چشم مطلب آقا شیخ مجتبی و نظر ولایی به من نماید اگه امام زمان نظر ولایی بکنن هرچی در مقدراتت حساب بکنی همه اینا تغییر پیدا می کنه چیز دیگه ای می شه برای همینه که امام زمان وقتی که میاد شب قدر تمام پرونده اعمال مقدرات به آقا عرضه میشه اصلاً اون کسی که رقم میزنه مقدرات رو خدا به مجرا و مجلای امام زمانه به واسطه امام زمانه بعد در ادامه می فرمایند بار یعنی آفریدگار مقالید جمع مقلاده این به دو معنا میاد به معنی کلید میاد به معنای خزانه هم میاد چی میخواد بگه این شعر میگه ای کلیده خزانه های زمان یا به تعبیر ای خزانه دار زمان ای کلید خزانه دار زمان در دست توست همین عظمت که خداوند تو را بدان ویژه ساخته به تو امتیاز داده قابل ملاحظه و در خور ستایش است یعنی توی امام با این ویژگی که خداوند به تو داده که تو کلید خزانه های زمانی این جایگاه ستایشه برای تو یعنی چی کلید خزانه های زمانی امام زمان ببینین هر آن چیزی که در زمان اتفاق میفته هر چیزی که در زمان به عبد میرسه هر کمالی که در زمان صورت می‌گیره تحقق پیدا میکنه تمام این ها فرمودش کلید خزانه زمان تویی چی در زمان اتفاق می افته علم یعنی شما الان صد سال پیش با الان علم یکسانه؟ صد سال بعد با الان این علم یکسانه ؟ به زمانه که زمان که هرچی پیش میره علم گسترده تر میشه افزون تر میشه خب هر آن چیزی که از علم در زمان به عنوان یه خزینه دیگه بخواد میسور بشه کلیدش چیه کلیدش امام زمانه یعنی امام زمانه که علمو به معنای حقیقی استخراج می کنه هر آن چیزی که در زمانه هر کمالی که در زمانه استخراج می کنه حالا یک روایت می خونم کامل روشن بشه روایت در جلد ۵۲ بهار صفحه ۳۳۶ روایت از امام صادق علیه السلام حضرت فرمودند علم ۲7 حرفه یعنی کل علمو که حساب بخوایم بکنیم کل علوم عالم هر آن چیزی که به عنوان علم محسوب میشه تو ۲۷ حرفه یعنی ۲۷ شاخه هست ۲۷ مرتبه هست میگه هر آن چیزی که انبیاء تا حالا نیاوردن 2 حرفشو آوردن تمام معارفی که رسول اکرم آورده تمام معارفی که امام صادق آورده تمام معارفی که انبیاء سلف آورده تمام معارفی که خود بشر با اکتشافات به اون رسیدن هر آن چیزی که تعبیر به علم می‌کنیم تا وقتی که امام زمان هنوز تشریف نیاوردند حضور نکردند به دوعلم اون از ۲۷ علم دست پیدا می کنن و مردم تاکنون جز به اون دو حرف آشنایی ندارن یعنی تا وقتی امام زمان میاد خیلی طرف مسلط باشه همون دو حرفه هنگامی که قیام کند مهدی ما خارج می کنه 25 حرف علم دیگه اینو نشر میده بین مردم و ضمیمه میکنه اون دوتای دیگه رو به این یعنی امام زمان مخالف علم روز نیست دقت بفرمایید اینا بیخوده نه نه 25 تا دیگه که ارائه میده دو تا هم ضمیمیه می کنه اون دو تا هم استفاده می شه میشه 27 تا حرف علم هست ( یا من مقالید زمان یکفه ) ای کسیکه مقالید زمان به دستش هست کلید خزانه ها هم یکی بود به دستش است جهات اخلاقی مختلف در زمان هر کمالی به وجود می‌آید امام زمان کلیددار اون خزانه است گاهی اوقات این شعر رو اینطوری هم میشه تفسیر کرد که مقالید و زمان جمع مقلاد و کلید است یعنی امام زمان که کلید زمان هست به تعبیری این یعنی چی یعنی آقا هر آن چیزی که در زمان اتفاق میافته میخواهی به نفع خوب انجام بگیره کلیددارش امام زمانه به تعبیری اگر بخواهی مشکلاتت حل بشه به تعبیری کلیدش دست امام زمان هست جای دیگه ای نرو حالا بعدا میگیم امام زمان واسطه فیض الهی هست یعنی چی در زمین یعنی خداوند متعال هر خیری را به هر موجودی که بخواد برسونه از واسطه امام زمان می رساند به اسطه حضرت ولیعصر می رسونه هر خیری را که بخواد برسونه و هر شری که بخواد از هر موجودی دفع بشه به واسطه امام زمان میرسونه خب پس کلید دست آقاستکجا می خواهی بریحجت خدا این واسطه تو خداوند ایشان هست لذا اگر هر آن چیزی که از مشکلات گرفتاری‌ها سختی ها به سمت خوبی ها باز بشه به سمت امام زمان برو بیت آخر تا آخر شیخ بهایی این طولانیه این شعر را سرچ کنید طولانی هست اغث ایمان و اعمر روبوعه فلم یبق عنها نسخه اصلیش منها هست حالا دو نسخه باید باشه یا عبقی یا منها غیر دار آثاری به فریادرس امام زمان فریاد رس هستند فریاد رس فریادرسان هستند کارگشای کسانی که کار می گشایند برای مردم یعنی چی یعنی فرض کنید یک نفر هست هر مشکلی داره فرد مشکل توحل میکنه خوب این بابا اگر به مشکل بخوره میره سر یک نفر اصل کاری میگه هر آن چیزی که تو به عنوان مشکل گشا در نظر نمی‌گیری و کسانی که مشکل گشای مشکلات شون رو این آقا گره شون رو باز میکنه پس میگه اغث در دعای ندبه عبارت این هست فغث یا غیاث المستغیثین میگه اغث حوضه الایمان بفریاد حوزه ایمان برس آقا و اعمر روبوعه ، ربوعه یعنی عمارت ها خانه ها ه هک به الله به توحید برمیگرده یعنی خانه‌های توحید میگه ای پیشوای برحق حوزه روشندلان مومن را دریاب پایگاه عالی توحید را آباد کن فلم یبقه که باقی نمانده از اون غیر دارس آثاری جز آثار خرابی از اون باقی نمونده چون جز کهنگی از اون باقی نمونده وقتی امام زمان میان توحیدی که ارائه می دیدن گاهی اوقات توحید ها به یک کشیده میشه که وقتی امام زمان میان توحیدی که ارائه میدن توحید چیه داری میگی شرک هست اینها چیه داری میگی ااین توحید نیست که یعنی خو گرفتیم به یک خداشناسی نادرستی بعد اون خداشناسی که در مورد حجت خداست خداشناسی جدید داره میاره

این در مورد شعر شیخ بها بعد می‌فرمایند یادبود از روح شریف دوست و رفیق شفیق مرحوم حجت الاسلام آقای نوغانی هم دوره ایشان بودند ایشان از کسانی بودند که ۴۰ سال در مشهد بودند کسانی که ارادت خاصی به امام زمان داشتند و شاگردان ویژه ای تربیت کردند ای حجت حق پرده ز رخسار بر افکن کز هجر تو ما پیرهن صبر دریدیم حجت خدا ظهور کن پرده ز رخسار برافکن یعنی خودتو به ما نشون بده که از هجر تو از دوری تو ما پیرهن صبر دریدیم یعنی دیگه صبرمون تموم شد ای دست خدا دست بر آور که ز دشمن بس رنج کشیدیم و بسی طعنه شنیدیم بس رنج کشیدیم و طعنه شنیدیم دست خدا یعنی‌چیه خداوند مگه دست داره یدالله فوق ایدیهم یدالله دست خدا شما هر کاری رو بخواهی انجام بدی باچی انجام میدی با دست انجام میدی چیزی را بلند می کنی دست خدا اینکه یعنی هر کاری را خداوند در عالم موجودیت بخواد انجام بده به دست پر برکت امام زمان داره انجام میده لذا میگه تو ید اللهی ای دست خدا دست بر آور که ز دشمن بس رنج کشیدیم و بسی طعنه شنیدیم میگه ما رنج کشیدیم طعنه شنیدیم مسخره مون کردن این جمعه شد و آقای نیومد نیومد کی میخواد بیاد این آقا مشکلات چیکار میخواد بکنه این آقا چنین هست و چنان از این طعنه ها زیاد شنیدیم دشمنان به ما هجمه بردن تو دست خدایی مقابل اینها بایست ما رو نجات بده بعد می فرماید شمشیر کجت راست کند قامت دین را هم قامت ما را که ز هجر تو خمیدیم شمشیر کجت راست کند قامت دین را ، دین یعنی چی دین مجموعه قوانینی که خداوند به واسطه انبیا برای هدایت بشر که متضمن سعادت دنیا و آخرت بشر هست آورده یعنی هر آن چیزی که بنفع بشر هست در جهت اعتقادات اخلاق و احکام جهات مختلف میگه آقا چیزی از دین باقی نمانده قامت دین خمیده چیزی از دین باقی نمانده تو ظهور کن و قامت دین رو که خم شده را راست کن یعنی احیا کن آن چیزی که باید احیا بشه بعد می فرمایند قامت دین رو که صاف می کنی هم قامت ما را که ز هجر تو خمیدیم ای آقا ما هم دیگه فسرد شدیم افسرده شدیم ما هم دیگه از بی امامی و بی حجت خدایی به تنگ اومدیم ما هم خم شدیم تو وقتی که بیایی قامت ما هم راست میشه در پایین می‌نویسد تعداد هزار نسخه از این کتاب در چاپخانه توس مشهد رمضان ۱۳۸۰ قمری مطابق با اسفند ماه ۱۳۳۹ شمسی شروع به چاپ شد شصت سال پیش این کتاب چاپ شده من جدی دارم بهتون میگم برای امیرالمومنین زیاد کار شده به خاطر اینکه مواجهه با اهل تسنن بوده زیاد کارشده برای امام حسین زیاد کار شده میگم زیاد کار شدید در مقابل آن چیزی که در شانیت امیرالمومنین هست اصلا کار نشده منظور من اینه زیاد کار شده یعنی نسبت به مسائل دیگه دارم عرض می کنم نسبت به امام حسین نسبت به امام زمان کاری نشده یکی از مهمترین آثاری که یک مجتهد زمان خودش یه فقیه زمان خودش که نوشته 60 سال پیش این کتاب رو نوشته همینطور غلط و غلوط هیچ کاری به این نشده اصلا این اول ما گاهی اوقات این کتاب رو گفتیم تحویل بگیریم مگه آقا شیخ مجتبی کتابم داره مهدویت داره اصلا اصلا مگه ایشون کتاب داره کار شده مگه 60 سال پیش اینو میگه به تب رسونده خب این صفحه هم تموم شد ایشون یک آیه ای رو میاره این آیه هم خالی از لطف نیست اینهایی که میخونم شاید بگین آقا از اینور میری یک شعر می خونی آیه می خونی ببینین مقدمه کتابه ها ما می خواهیم خط به خط خونده بشه میتونستم این کتاب رو ببندم کتاب رو خوندم از حفظ بهتون خیلی شیک توضیح بدم مدون توضیح بدم آقا گرفتیم میخوام کتاب رو کامل بفهمین خط به خط بخونم نکاتی ریزه کاری هایی جمله ای چیزی کامل بفهمین به همین منوال به همون روال کتاب پیش برم در سوره مبارکه نور ایه 55 وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کم استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم لذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لایشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلک اولیک هم لفاسقون این آیه چی می خواد بگه این آیه ترجمه اش اینکه وعده خدا خداوند وعده داده به کسانی که ایمان آورده اند خداوند به کسانیکه از شما بندگان که ایمان آوردید و عمل صالح انجام دادید نیکوکار شدید خداوند به شما وعده داده خب چه وعده ای داده وعده فرموده در زمین خلافت شان دهد این کسانی که به ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند خداوند وعده داده تو زمین خلیفه شون بکنه خلیفه الله شون بکنه خب من الان اینجا آدم خوبی بشم عمل صالح انجام بدم خلیفه میشم تو زمین چنانکه امم صالح پیامبران سلف را جانشینی پیشینیان آنان نمود و دین پسندیده آنان را تمکین و تسلط عطا کند و به همه آنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی بی‌ هیچ شائبه شرک و ریا پرستش کنم و هرکس پس از آن به کفر گرویدد آنانند که فاسقانند آنانند که نافرمان اند میگه کسانی که ایمان بیارن عمل صالح انجام بدن خداوند وعده داده که اینها را خلیفه در زمین در ذیل این آیه دو گونه روایت داریم یک گونه روایت فرمودند این الذین آمنو کیه فرمودند ما اهل بیت هستیم باز سوال می کنند شما اهل بیت هستید شما که خلیفه نشدی به تعبیرات ظاهری که خلیفه نشدید که مظلوم واقع شدید اتفاقا شما را شهید کردند می فرمایند در وقت رجعت خداوند ما اهل بیت را زنده می کند تک تک ما در زمین حکومت می کنیم رجعت را توضیح می دهم امام زمان که تشریف میارن اهل بیت هم رجعت می کنند آقا که از دنیا میرن تک تک ائمه در زمین حکومت می کنند خلافت می کنند پس در خصوص ظهور چه کسانی هستند اهل بیت هستند فرمودند وعد الله الذین آمنوامنکم و عملوا الصالحات فرمودند مهدی ما و اصحاب امام زمان هستند اینها رو خداوند قابل جمع هست یعنی ائمه هم حکومت می کنند وجود نازنین امام زمان هم میان اصحاب اینها میان تمام دنیا دست اصحاب امام زمان زیر تسلط و سیطره ولیعصر دنیا حکومت می کند دنیا اداره میشه این آیه در مورد مهدی ما اهل بیت هست لذا مرحوم آقا شیخ قزوینی بعنوان شروع قسمت اول این آیه رو از باب تذکر ذکر می کنه توضیح نمیده فقط آیه متن عربی رو میاره ترجمه هم نمی کنه و تفسیر نمی کنه مطالب رو خودم گفتم فقط آیه آوردم تا میرسه قسمت اول

بحث غیبت امام زمان رو شروع می کنیم ایشان می فرمایند درباره غیبت وجود حضرت بقیه الله از چند جهت لازم هست بحث و بررسی بشه اول عقیده شیعه درباره حضرت به هیچ وجه محال عقلی نیست اینم توضیح میدم فقط عنوان ها رو می خوام بگم دوم در بیان اینکه اعتقاد شیعه در صفات کمالی و طول غیبت و عمر و آثاری که پس از ظهور آن حضرت می شود نیز محال عادی می باشد و آنچه در این مورد گفته شد صرف استبعاد هست محال عادی در فصل خودش میاد سوم ذکر دلیل بر اثبات معتقد شیعه که امام غایب شخص خاص رو معین هست م ح م د بر اساس روایاتی که میگه اسم حضرت حالا اینم بحث رو مطرح می کنیم م ح م د ابن الحسن العسکری و توضیح اینکه آن دلیل آیا عقلی باید باشد یا منحصر به تنثیث و نقل معتبره اینکه اثبات امام زمان دلیل غیر عقلی هم داریم یا فقط با توجه به روایات آیات باید اثبات

چهارم فواید و ثمرات در زمان غیبت بر وجود مبارک آن حضرت مترتبه و دفع این اشکال که امام غایب را چه فایده ای و ثمره ای است اون امامی که غایب هست چه فایده ای برای ما داره وقتی دسترسی بهش ندارم این چه معنا داره اینم توی یک فصلی کامل بحث می کنیم اما اول گفتار مربوط به اثبات جهت اول

جهت اول چی بود عقیده شیعه درباره آن حضرت به هیچ وجه مستلزم محال عقلی نیست یک چیز محال عقلی نیست اعتقاد به امام زمان می فرمایند گفتار مربوط به جریان جهت اول گمان نمی رود هیچ خردمندی ادعا نماید که اعتثاد شیعه در موضوع وجود ولیعصر عج از معضلات عقلی است یعنی از امور ممتنعه به ذات هست که در مقابل امکان و ممکن ذاتی قرار می گیرد گرچه واجب و ممکن و ممتنع به ذات از اصطلاحات واضحه برای اون کسانی که درس میدن و محتاج به توضیح نیست لکن برای توضیح و تنبیه ممتنعه ذاتی رو تشبیه می کنند ایشان میگن اعتقاد شیعه ممتنع ذاتی نیست خب آقا ممتنع ذاتی چیه توضیح میدم میگن ممتنع ذاتی به چیزی می گویند که تنها تصور آن کافی است که عقل حکم بر محال بودن وجود و تحققش بنماید مانند اجتماع نقیضین مانند متناقضین اجتماع ضدین یا متناقضین چناچه حکم به هستی و نیستی یک شی واحد در زمان واحد بنماییم به اینطور که گفته شود زید اکنون هم هست هم نیست قطعا چنین امری محال هست ببینید محال عقلی یا ممتنع به ذات چیه یک چیزی که وجودش سلب میشه یعنی به تعبیری بخواهیم حساب بکنیم عدم ضرورت وجود بهش میشه که یعنی اساسا شدنی نیست که در خارج باشه تحقق نمی تونه پیدا بکنه مثال این چایی در دست من در آن واحد هم باشه هم نباشه این ممکنه الان هست نیستبله زمانش فرق داره نمیشه مثلا بنده هم باشم هم نباشم نمیشه خب چرا نمیشه بخاطر اینکه هستی با نیستی فرق می کنه قبول داری هستی با نیستی فرق می کنه بله حالا هستی و نیستی با هم جمع میشن جمع نمیشن این اشتباه هست نقیضین محاله هستی و نیستی رفع میشن بالاخره این یا وجوده یا عدم هست بگیم نه وجود هست نه عدم هم نیست این میشه ارتفاع نقیضین محال عقلی هست وجود که نیست عدم هم نیست نه این هم وجوده هم عدمه هم لیوانه هم لیوان نیست این اجتماع نقیضین هست این محاله و ممتنع به ذاته اجتماع ضدین چیه این لوانی که دست من هست سفیده در آنی که سفیده میشه سیاه باشه اجتماع نقیضین بود و نبود خودش هست اجتماع ضدین چیه دو اجتماع یعنی چی یعنی هم بنده خرس باشم هم آدم باشم هم گربه باشم میشه همیچین چیزی

اجتماع نقیضین چیه مثل کوسه ریش پهن هست در عین اینکه کوسه است یعنی ریش در نیاورده ژنتیکی ریش در نمیاره یعنی ریش نداره ریش پهن داره میشه همچین چیزی محاله

نقیضین بین دوامر وجودی است پس بود و نبود میشه نقضین این میز هم سفت هست هم نرم و نرم باشه نمیشه هم یک متر باشه هم دو متر باشه این میز هم سیاه باشه هم سفید نمیشه این اجتماع ضدین هست سفید یک رنگی هست سیاه هم یک رنگی هست سفید و سیاه با همدیگه جمع نمیشه بود و نبود با همدیگه جمع نمیشه ارتفاع نقیضین چی بود نه وجود باشه نه عدم اما ارتفاع ضدین چیه آیا محال است نه یعنی چی این

حالا این میز سفید نباشه سیاه باشه بله میشه پس چی محاله اجتماع نقیضین یعنی بود و نبود با هم جمع میشن ارتفاع نقیضین نه بود باشه نه نبود باشه این هم محاله اجتماع ضدین دوتا وجود با همدیگه جمع بشه در حالیکه تقابل داره اختلاف داره اینها میشه چی امور محال تا اینجا درسته ایشون میخواد بگه اعتقاد به امام زمان ممتنعه به ذات نیست میگه یک آقایی ممکنه عمر بکنه هزار و اندی سال یک چیز عجیبی هست درسته می تونه چهل سالش باشه بله چیز محالی نیست که می فرمایند که شاهد قطعی بر این ادعا رجوع به وجدان هست ببینید امر امر محالیه که یک آقایی باشه این اجتماع نقیضین هست آیا کسی تصور وجود و موجود بودن فردی از انسان کامل را که بعدا ذکر می شود مدت یکی دو هزار سال مثلا محال می داند و مانند تصور هستی و نیستی و بود و نبود شخص معین در زمان واحد می داند با یک تصور کاملا آشکار می شود که طول عمر چنین فردی عادی و ممکنه امکانش هست نه محال و ممتنع از این رو بیش از این توضیح نداده عمده بحث را راجع به بحث دوم و سوم و چهارم قرار می دهیم که بیشتر اهمیت .چیزی که درباره امام زمان آقایی هست که هزار و اندی عمر می کند یک جوان چهل ساله هست این آیا امر محالی هست یا ممتنع به ذات هست محال عقلی هست یا اجتماع نقیضین هست اینها محاله حالا یک کره زمین با همین اندازه ای که هست تخم مرغ قرار بگیره این میشه بله تخم مرغ بزرگ میشه محاله ظرفیت شو نداره آیا امام زمان هزار و اندی عمر داره به مانند اینه که تخم مرغ در کره زمین محاله اینم محاله اساسا مگر عمر اندازه داره عمر طبیعی بشر ۱۲۰ ساله الان کی صدو بیست سال عمر می کنه قدیم اینطور بود الان ۶۰ یا ۷۰ سال عمر می کنند یک نفر توی چین چرا صد و هشتاد سال عمر کرده یک روستایی بوده آب و هوا خوب بوده تغذیه اثری داشته استرس نداشته صد و هشتاد سال عمر داشته مرگ چرا بوجود آمده بخاطر اختلالات در بدن هست مثلا یک خونی در یکی از رگهای مغز لخته که میشه میگن سکته کرد مرد در رگهای قلب اختلال بوجود میاد سکته کرد مرد یک اختلال هایی بوجود میاد سکته کرد مرد حالا اگر یک نفر در شرایطی قرار بگیره که اختلالی برای بدن بوجود بیاد گاهی وقتها نگاه می کنی میبینی شصت سالشه اما چهل سال بهش می خوره خوب موندی یعنی شرایط خوبی داشتی گاهی وقتها استرس ها افسرده می کنه از لحاظ علمی شرایط مناسب داشته باشه بدونه که چی بخوره بدونه در چه شرایطی باشه خب طول عمرش بیشتر میشه امام زمان علم نداره چی بخوره امام زمان علم نداره کجا باشه امام زمان علم نداره خیلی از مسائل رو رعایت کنه یک امر ممکنی هست اندازه نداره طول عمر الان دانشمندان دارن تحقیق می کنند ما یک سری عوامل رو درک می کنیم اینها برداشته بشه طول عمر بشر بیشتر میشه اختلالات بدنی جبران بشه بیشتر عمر بکنی حالا یک نفر شاید بگه روایاتی داریم اجل محتوم اجل معلق و اجل رو کی مشخص کرده حالا چه گیری داره محتومه گیرش چیه اگر بحث علمی داریم بکنیم اندازه ای نداره شرایط باید مساعد باشه اون وقت یکیه در چنین شرایطی اگر اهل تسنن این گیرها رو دادن میگیم مگه شما نمیگین خضر زنده است روایت های خودشون هست در قرآن مگه نگفته که حضرت نوح در بین قومش 950 سال فقط تبلیغ کرد عمر نوح روی دو هزار سال نوشته شده عمر نوح روی دو هزار ساله خب توی قرآن میگه نوح 950 سال تبلیغ کرده چه گیری داره امام زمان اینقدر عمر نکنه وقتی خضر چند هزار سال داره عمر می کنه در روایات عامه هم آمده چی گیری داره با کسانیکه آتئیست هستند و خدا ناباور هستند اثبات قدرت خدا که مطرح شد خداوند علم داده در شرایط مساعد میتونه علم کنه هیچ کدوم محال عقلی نیست.